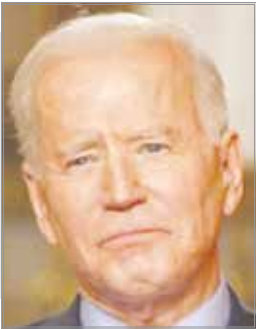




نوع وثیقه گذاری وام‌های زیر ۱۰۰ میلیون تومان تغییر می‌کند

صفحهٔ ۲



بایدن رئیس جمهوری یک دوره‌ای آمریکا؟

صفحهٔ ۱۱

برگزاری حضوری کلاس‌های درس ابلاغ شد

ابهام در تحقق شروط سلامت دانش آموزان

صفحهٔ ۴



رئیس جمهور امروز به مسکو سفر می‌کند

اعتماد به شرق همزمان با مذاکرات در غرب

مردم ایران هنوز بدقولی روس‌ها در تحویل ۶۰ میلیون واکسن اسپوتنیک را فراموش نکرده‌اند

صفحهٔ ۲

سر مقاله

دولت نیاز به یک ترکیب برنده دارد

رضارضائزاده

از ایشان مشاهده شده است. با پایان ماه عسل دولت و احساس می‌کنم که دولت برنامه مشخصی برای برون رفت از وضع موجود ندارد. خیلی از دلسوزان کشور، و کنشگران سیاسی هم راستا با دولت نیز پس از اعلام وزاری پیشنهادهی تا حد زیادی امیدشان را به این دولت از دست دادند. متأسفانه انتخاب مدیران ارشد و میانی از یک جریان خاص نشان دهنده این است که یا کار از دست حوزه ریاست جمهوری خارج شده و مدیران مذکور به دولت تحمیل می‌شوند یا رویکرد دولت این است که در هر دو صورت آینده روشنی برای مجموعه دولت نمی‌توان متصور بود. به نظر می‌رسد با پروپاگاندای رسانه‌ای که بیشتر خوراک زمان انتخابات برای اثر گذاری بر رای مردم است و ایجاد این احساس در جامعه که نیاز حال دولت در همین ابتدای کار نشان داده که نیاز به ایجاد تغییرات گسترده با رویکرد تخصص محور در زمینه انتخاب مدیران داردمن هم همانند رئیس جمهور محترم که بارها فرمودند معتمد در حل مشکلات کشور بن بستى وجود نداردولی قطعا نه با این مدیران و نه با این تیم، دولت نیاز به یک ترکیب برنده دارد.

با گذشت تقریبا ۶ ماه از استقرار دولت سیزدهم و فروکش کردن هیجانات دوران منازرات و انتخابات به نظر می‌رسد زمان مناسبی برای بررسی اجمالی شرایط حال حاضر دولت باشد. همانطور که در این چند ماهه مشخص شد دولت آقای رئیسی مسیر همواری نخواهد داشت و با چالش‌های اساسی مواجه خواهد بود. آقای رئیس‌جمهور که در دوره تبلیغات به گونه‌ای از حل مشکلات صحبت می‌کرد که گویی با یک چوب جادوگری و به طر فاعینى مسائل برطرف خواهد شد، به مرور زمان با واقعیت‌های موجود در حجم مطالبات مردم و توقعات از دولت همچنین مدیریت در قوه مجریه و قوه قضائیه آشنا خواهند شد، بسا توجه به ماهیت کار در قوه قضائیه شاید با یک دستور از بالا به پایین امری که باید تحقق یابد حل شود ولی فضای کار در دولت با توجه به گستردگی توقعات ایجاد شده کلا متفاوت است.

در ابتدا باید عرض کنم که شاید من هم مثل خیلی از هموطنان عزیزم و با توجه به عملکرد آقای دکتر رئیسی در قوه قضائیه امیدوار بودم شرایط در همین فصل اول حضور دولت در مسند قدرت بسیار

عنوان «هشتری» یا «شریک» یا «همکار اقتصادی» است که نفت و گاز و مواد اولیه ارزان تری را به دست او برسانند یا بازار مصرف خوبی برای کالا و خدمات چینی باشند در این میان، به نظر می‌رسد کشور که دهه‌هاست، با رفتار قهرآمیز غربی‌ها رو به روست، با انجام بازنگری اساسی در سیاست خارجی خودش و در چارچوب رویکرد به دیپلماسی راهبردی «نگاه به شرق» درصد ارتقای جایگاهش از یک «هشتری» یا «شریک رده پایین» به یک «دوست و همکار» در روابط با جمهوری خلق چین است. اما تغییر رویکرد ایران در نگاه به شرق، مخالفانی هم دارد.

در شرایطی که آمریکا با فشار کمرشکن تحریم‌های ظالمانه می‌خواهد اقتصاد ایران را در تنگنای بیشتری قرار دهد، هر تدبیر و راهکاری که رویکرد ضدتحریم داشته باشد، به شدت با پروپاگاندای غربی رو به رو می‌شود تا در حافظه افکار عمومی ایران به موضوعی «سیاه و ضدملی» تبدیل شود. اما آیا همه انتقادها به قرارداد بلندمدت ایران و چین از این دسته است و ریشه در دشمنی‌های ایران در نگاه به شرق، مخالفانی هم دارد؟

آیا همه کسانی را که درباره ابعاد و زوایای این قرارداد هشدار می‌دهند و خواستار دقت نظر و کنکاش در بنیندن آن هستند و نگرانی‌های جدی درباره «هژمونی زرد» دارند و هر گونه خدشه بر استقلال کشور را ناروا می‌دانند و آن را در تضاد قانون اساسی ایران ارزیابی می‌کنند، مزدور و آلت دست دشمن یاید بدانیم؟

واقعیت این است که موضوع همکاری بلند مدت و همه جانبه ایران با یک کشور خارجی، پس از بهروزی انقلاب اسلامی تاکنون، امری بی سابقه است و شاید اهمیت و بزرگی و پربادنه بودن موضوع است که افکار عمومی را حساس کرده است. همکاری بلندمدت ایران و چین، موافقان و مخالفان جدی دارد که بخشی از این موافقت‌ها و مخالفت‌ها کارشناسی و همرا با بحث‌ها و استدلال‌های فنی است و قسمتی هم سیاسی و متأثر از قطب بندی و فضا سازی‌های سیاسی در داخل و خارج کشور. درباره واکنش‌های گسترده درقبال امضا و اجرای این توافق نامه، چند ملاحظه وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. اول این که بصورت طبیعی، آمریکا و اروپا و هواداران آنها در داخل کشور با ورود ایران به یک همکاری بلندمدت با چین مخالفند، به باور برخی تحلیلگران، غربی‌ها خیلی بهتر از ما در ایران، از جایگاه بی بدیل چین در آینده اقتصاد و سیاست جهان آگاهند. قراردادهای بازرگانی پر حجم و داد و ستد مالی گسترده کنونی آنها با چین بیابانگر واقع بینی و فهم و درک درست اروپا و آمریکا درخصوص نقش آفرینی چینی‌ها در اقتصاد امروز و فرای دنیاست. براساس آمار منتشر شده، در سه ماهه دوم ۲۰۲۱، چین به بزرگترین و شریک اول تجاری اروپا در بخش تبدیل شد و آمریکا را به رتبه دوم فرستاد. از سوی دیگر، چین نیز به دنبال ایجاد تنوع گسترده در سبد شریکان تجاری خود در سراسر جهان است و در چارچوب یک سیاست خارجی بشدت عملکردآینانه، در پی پیدا کردن کشورهایی به

یادداشت

آیا راه آموزش و پرورش لزوماً به دانشگاه ختم می‌شود؟

غلامرضاقلیایی*

مدرک دانشگاهی ختم نمی‌شود و از این رو است که دکان‌های مدرک‌سازی رواج پیدا کرده و در بسیاری از موارد مردم را چپاول می‌کنند. البته نه اینکه این مربوط به ایران باشد در همه دنیا این برنامه هست و کشورهای قدرتمند برای کشورهایی که بافت فرهنگشان مدرک زده شده مدرک می‌سازند و دانشگاه درست می‌کنند و از ثروت آنها بهره می‌برند.

اینکه من نقش وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی (تکرا) را بسیار مهم می‌دانم برای این است که این وزارتخانه ضمن تبیین و تعیین مشاغل و به کارگیری افراد در مواقع لازم، می‌تواند در تعدیل ارزشی و مالی همه مشاغل با همکاری همه وزارتخانه‌ها نقش آفرین باشد. چرا یک هنرمند، یک ورزشکار، یک کارآفرین، یک مدیر موفق یا تجربه، یک بافنده خیره فرش، یک بازاریاب و صدها مانند آنها نتوانند برخوردار باشند؟ شاید بتوان انجمن‌های حرفه‌ای و هنری را تقویت کرد تا به دور از تعارض منافع، حرمت حرف و مشاغل را به گونه‌ای تعیین کنند تا هوس دکتر شدن فروکش کند. یا بتوان درهای دانشگاه را به روی هنرمندان و مهارت داران در هر رشته‌ای بازکرد تا بر وفق مقررات خاص خودشان و هماهنگ با نظام ارزشی و آموزشی به ارزیابی دانش آموختگان و دوره دیدگان خود بپردازند.

این در حالی است که خانواده‌ها و به ویژه آموزش و پرورش باید با استعدادیابی و مهارت افزایی، هر کس را متناسب با ذوقش راهی بازار بسیار متنوع اجتماعی و اقتصادی کنند. آموزش و پرورش محیطی است به وسعت تمام کشور، و برای تشخیص و تعیین استعدادها، که هر کسسی در جای خودش باشد و مطابق با با استعدادش به کاری مشغول باشد و مطابق زحمتی که می‌کشد مزدی دریافت کند. درضمن عده‌ای نخبه و دارندة استعدادهای علمی را راهی دانشگاه کنند.

اگر زمینه‌ها درست شود خود به خود مسئله کنکور هم حل خواهد شد. من یادداشت قبلی «هدیرت جامع آموزش کشور» گفته‌ام که چگونه با مطالعه و مشاوره باید استعدادیابی و مهارت افزایی صورت گیرد و هر کس تا حد امکان به جایی برود که دوست دارد و البته، و صد البته دولت باید زمینه‌ها را فراهم کند. علت وجود این وضعیت به ارزشگذاری‌ها در جامعه بر می‌گردد که دولت‌ها مسئول مستقیم آن‌اند. ارزش گذاری فقط نباید طولی و عمودی باشد که الان هست. چرا افراد اول مدرک تحصیلی بگیرند و آنگاه دنبال کار بگردند و در صورت نبودن کار مناسب به هر شغلی تن در دهند. آیا بهتر نیست که در سنین پایین‌تر افراد شغل ارزش‌ها به همه جامعه بر گردد و همه افراد پس از گذراندن دوره‌هایی از آموزش ابتدایی مفید به مشاغل مرتبط و مورد علاقه راهنمایی شوند و آموزش‌های عرضی با عنایت به ارتقای شغلی و مادی فراهم شود عطش دکتر شدن فرو خواهد نشست و آموزش و ارزش‌های عرضی و افقی همه اهمیت خود را باز خواهد یافت. اینکه بعضی‌ها در یکی یکی کردن دو وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی اصرار دارند، دست کم در شرایط فعلی من با آن موافق نیستم ولی با هم سو بودن چرا.

فراهم نمودن زمینه و محیط مناسب توسط مسئولان امر برای زندگی سالم توأم با شغل مناسب با درآمد کافی و آموزش در حین کار و ارتقای همه جانبه در آن شغل حرص و ولع دانشگاه رفتن را کم خواهد کرد. آنگاه ایران سراسر دانشگاه به معنای ظاهری آن نخواهد شد بلکه دانشگاه کار اختصاصی خود را برای ارتقای علم و بهرهوری از آن انجام خواهد داد و به محیط تجاری برای جذب سرمایه یا دست کم برای اداره خود تقلیل نخواهد یافت.

*** استاد تمام دانشکده علوم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تهران**

منبع: خبر آنلاین



آگهی ابلاغ

شناسه آگهی: ۱۲۶۲۶۶۱

رجوع به صفحه آخر (۱۲)

م.الف: ۲۶۰۷